

ابن عباس و مقام بلند وی در تفسیر مسعود ربیعی آستانه

آغاز تفسیر قرآن کریم را بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به ابن عباس که یکی از عموزادگان پیامبر صلی الله علیه و آله است نسبت می‌دهند، اما پاره‌ای از مستشرقان مانند گلدزیهر و آرتور جفری به این موضوع با نگاه تردید و انکار می‌نگرند، در صورتی که دانشمندان اسلامی مانند ابن حجر عسقلانی^۱ او را بزرگترین مرجع در موضوع تفسیر قرآن دانسته‌اند، البته در این میان پاره‌ای دیگر از مسلمانان مانند ابن تیمیه حنبلی^۲ سخنانی علیه ابن عباس گفته‌اند در این نوشتار به بررسی ابعاد شخصیتی این مفسر بزرگ صدر اسلام خواهیم پرداخت:

ابن عباس

ابوالعباس عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، پسر عموی رسول الله صلی الله علیه و آله، محدث، مفسر، فقیه و مورخ صدر اسلام، سه سال قبل از هجرت در شعب ابوطالب متولد شد. نام پدر او عباس (م ۳۲ ق) عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله و نام مادرش ام الفضل لبابة الكبرى (م ۳۰ ق) دختر حارث بن حزن هلالی بود که هر دو قبل، و به قولی، بعد از هجرت، اسلام آوردند. عباس بعد از ابوطالب شخص اول مکه بود و مادرش ام الفضل نیز در جمال و کمال و هنر سرآمد دیگر بانوان به شمار می‌آید. عبدالله یکی از هفت پسر بود که ام الفضل برای عباس آورد.

عبدالله، بلند بالا، سپید چهره، تنومند و خوش سیما بود. در پیری گیسوانش را با حنا خضاب می‌کرد. او به علت حسن همنشینی و یادگیری و ادب آموزی از محضر صدر عالم، حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و همچنین تأثیر پذیری از ارشادات علوی به القابی چون، حبر القرآن، بحر القرآن، رئیس المفسرین، شیخ المفسرین، الاب الاول لتفسیر القرآن و ابرمرد تفسیر، ملقب و مفتخر گردید.

ابن عباس به هنگام رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیزده ساله و به قولی پانزده ساله بود.

ابن عباس به سال (۶۸ هـ) در طائف به سن هفتاد و دو و یا هفتاد و چهار سالگی درگذشت و هم در آنجا به خاک سپرده شد. ۳ پسر عموی او محمد بن حنفیه به جنازه اش نماز گزارد و درباره اش گفت:

«مات ربانی هذه الامه: عالم بزرگ این امت وفات کرد.»

از مشهورترین فرزندان ابن عباس، ابوالحسن علی (۴۰ - ۱۱۸ ق) بود که در کثرت عبادت به او سجاد گفتند، او جد عبدالله بن محمد بن علی ملقب به سفاح عباسی (م ۱۳۲ ق) به شمار می‌رفت.

احادیث نقل شده درباره ابن عباس

نقل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزی ابن عباس را هنگامی که کودک بود در آغوش گرفت و در حق او دعا کرد: «خدايا به او حکمت بیاموز.» از عبدالله بن عمر مروی است که به ابن عباس می‌گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم دست به سر تو کشید و فرمود: خدايا او را علم دین بیاموز.» روزی ابن عباس در خانه خاله اش می‌مونه ام المؤمنین (همسر رسول صلی الله علیه و آله) آب وضوی پیغمبر صلی الله علیه و آله را آماده نمود، آن حضرت او را دعا کرد و فرمود: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل» ۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: «لن یموت حتی ینهب بصره و یؤتی علماً.» «تا وقتی نابینا نگردد و علم و دانش به وی نرسد، از دنیا نخواهد رفت.» ۵

علی علیه السلام در حق او فرمود: «کأنما ینظر الی الغیب من ستر رقیق»:

«گویی از ورای پرده ای نازک غیب را می‌بیند.»

طبری می‌نویسد:

«جام شیری در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند در حالی که ابن عباس طرف راست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خالد بن ولید در سمت چپ او نشسته بودند. پیغمبر صلی الله علیه و آله شیر را نوشید و به ابن عباس گفت:

[باقیمانده] را تو بنوش. ولی آیا تو راضی هستی آنرا خالد بن ولید بنوشد؟ ابن عباس به عرض رساند: نه سوگند به خدا هیچکس را بر باقیمانده نوشیدنی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خویشتر ترجیح نمی‌دهم و ابن عباس باقیمانده شیر را نوشید.» ۶

محدث قمی در سفینة البحار می‌نویسد:

پسر ابن عباس او را برای کاری نزد رسول الله صلی الله علیه و آله فرستاد، ابن عباس خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با جبرائیل راز می‌گفت و می‌شنید. ابن عباس را حیا مانع گشت که

مبادا نجوای آن دو را قطع کند و جبرائیل را نشناخت، لذا بسوی پدر بازگشت و مشاهدات خود را بازگو کرد. پس دوباره نزد پیامبر رفت و توضیح داد که قبلاً شرفیاب شده بود ولی نخواستہ بوده در چنان احوالی کار خود را به عرض رساند، رسول خداصلی الله علیه وآله ابن عباس را در آغوش کشید و دست به سینه او نهاد و فرمود: «اللّٰهُمَّ فَتَّهْهِ فِی الدِّینِ وَ انْتَشِرْ مِنْهُ»^۷

ابن عباس علاوه بر مقام رفیع علمی در تفسیر، ادب، فقه و... عهده دار مسئولیت‌های زیر نیز بوده است: در سال ۲۷ ق در عهد خلافت عثمان در فتح آفریقا (تونس) در سپاه عبدالله بن سعد ابن ابی سرح فرماندهی قسمت مقدم ارتش اسلام را بر عهده داشت و همین امر عامل موثری در شکست «جرجیر» حکمران آن خطه شد لقب جیر از طرف جرجیر به ابن عباس عطاء شد، چون سخنگوی مجلس آشتی بود بسیار قاطع و محکم سخن می‌گفت.

در جنگ‌های جمل، صفین، نهروان، پیوسته در کنار علی‌علیه السلام بود و با ناکثین و قاسطین و مارقین به سختی نبرد می‌کرد.

در جنگ صفین فرمانده جناح چپ سپاه بود و همراه با حسن بن علیهما السلام و محمد حنفیه و عبیدالله و قثم پسران عباس و عبدالله و عون پسران جعفر ابن ابیطالب علیه دشمن می‌جنگید.

ابن عباس بعد از عثمان بن حنیف از سوی علی‌علیه السلام به ولایت بصره و خوزستان و فارس و کرمان منصوب شد و در همین بصره ابوالاسود دؤلی شاعر (م ۶۹ ق) را به نیابت از خود عهده دار امامت در نماز جماعت و زیاد بن ابیه (م ۵۳ ق) را مأمور جمع آوری خراج قرار داد.

ابن عباس در بصره روزهای خود را به فقه و تفسیر و مغازی و همچنین شعر و ایام عرب تقسیم می‌کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به پیشنهاد ابن عباس صحنه نهاد و تقاضای طلحه و زبیر را برای امارت کوفه و بصره نپذیرفت. پیش از رخ دادن جنگ جمل نیز علی علیه السلام او را برای نصیحت و اتمام حجت نزد زبیر فرستاد.

بعد از صفین نیز ابن عباس از طرف علی‌علیه السلام نمایندگی تام الاختیار را برای حکمیت پذیرفت، اما اشعث بن قیس کندی به دلیل اینکه او از مضریان بود، او را نپذیرفت.^۸

در جنگ نهروان نیز حضرت علی‌علیه السلام او را مأمور گفتگو با خوارج کرد. همچنین در مجلس صلح امام حسن‌علیه السلام با معاویه، ابن عباس حضور داشت. در ماجرای سفر امام حسین‌علیه السلام به عراق نیز ابن عباس از روی شفقت و دوستی، امام را از رفتن به این سفر بی بازگشت، بر حذر داشت.

ابن عباس و دیدگاه‌ها

عمر بن خطاب درباره او می‌گفت: «جوانی است که خرد پیران دارد، زبانی بسیار پرسنده و قلبی بسیار خردمند دارد»

ابو عبدالرحمن عبدالله بن عباس، عجب مفسر خوبی برای قرآن است.»

ابوالخیر در طبقات المفسرین او را «ترجمان القرآن و حبرالامه و رئیس المفسرین» لقب داده است.

حسان بن ثابت (م ۵۴ ق) شاعر معروف صدر اسلام وقتی قدرت استدلال او را نزد عثمان بن عفان دید، این چنین زبان به ستایش او گشود:

اذ قال لم یترك مقالاً لقائل
بمنتظمات لایری بینها فصلاً

«وقتی که سخن گوید، حرفی برای هیچ گوینده دیگر باقی نمی‌گذارد، سخنانش منظم و منسجم است و میان آنها فاصله نیست.»

مجاهد بن جبر تابعی (وفات در ۱۰۰ یا ۱۰۴ ق در سن ۸۳ سالگی) در حق او گفت: «هرگز فتوایی بهتر از فتاوی ابن عباس ندیده‌ام.»

عمرو ابن دینار جمعی تابعی (م ۱۲۶ ق) مفتی مکه می‌گفت:

«هیچ مجلسی را در خیر و کمال جامع‌تر از محضر ابن عباس ندیدم، در آنجا علم حلال و حرام و عربیت و انساب و شعر همه جمع بود.»

عطاء ابن ابی رباح (م ۱۱۵ ق) فقیه مشهور و مفتی مکه می‌گفت:

«مردم در محضر ابن عباس برای شعر و ادب و تاریخ و وقایع و ایام عرب و فقه و علم حاضر می‌شدند و به هر صنف هر چه را می‌خواستند پاسخ می‌داد.»

خطیب بغدادی مؤلف کتاب تاریخ بغداد آورده است:

«هیچ مجلسی گرامی‌تر از محضر ابن عباس نبود و علم و فضلش بر همگان افزونی داشت. اصحاب قرآن و نحو و شعر و فقه همه پیش او می‌آمدند و مشکلات خود را از او می‌پرسیدند.»^۹

دکتر رمضان عبدالتواب، استاد زبان‌شناسی در کتاب پر مایه خود، روایتی را در خصوص اهمیت درایت علمی ابن عباس آورده که در اینجا نقل می‌کنیم:

دکتر روایات اسلامی آمده است که مردم از عبدالله بن عباس، صحابی مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله درباره معنای الفاظ خاصی از قرآن کریم سؤال می‌کردند و او با استشهاد به ابیاتی از اشعار عربی آنها را تبیین و تفسیر می‌نمود، سیوطی این پرسش و پاسخها را در فصل سی و ششم کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» ۱۰ آورده است و دکتر ابراهیم سامرائی آنها را در کتاب جداگانه‌ای به نام «سؤالات نافع بن الازرق الی عبدالله بن عباس» گردآوری و در سال ۱۹۶۸ در بغداد منتشر کرده است. کتاب مذکور با این عبارت آغاز می‌شود: روزی عبدالله بن عباس در آستانه کعبه نشسته و پایش را داخل حوض زمزم فرو برده بود. مردم از هر طرف برگرید او حلقه زده بودند و از تفسیر قرآن و حلال و حرام آن پرسیدند. عبدالله بن عباس نیز بدون آنکه در مانده شود، پاسخ آنان را می‌داد، در این هنگام نافع بن ازرق به نجه بن عویمر گفت: بر خیز تا نزد او رویم که این چنین بر تفسیر قرآن و فتوا دادن به آنچه نمی‌داند جری و جسور شده است. آن دو به سوی او رفتند و گفتند... سؤالاتی درباره قرآن کریم داریم. از تو می‌خواهیم آنها را برایمان توضیح داده برای هر یک نیز مصداقی و شاهد مثالی از کلام عرب بیاوری. زیرا خداوند قرآن را بزبان عربی روشن نازل کرده است. ابن عباس گفت: آنچه می‌خواهید بپرسید. ان شاء الله پاسخ آنها را از من خواهید شنید. آن دو پرسیدند. معنای آیه «عن الیمین و عن الشمال عزین»: (معارف ۳۷/۱) از راست و چپ باز پراکنده می‌شوند و به دین خدا نمی‌گردند: [چیست؟] ابن عباس پاسخ داد: (عزین: حلقه دوستان) را گویند. آن دو پرسیدند: آیا عرب چنین معنایی را می‌شناسد؟ پاسخ داد: آری! آیا شعر عبیداین ابرص ۱۱ را نشنیده‌اید که: «فجاؤوا یهرعون الیه حتی یکونوا حول منبره عزینا؟ آنان شتابان بسوی او آمدند تا به گرد منبرش حلقه زنند» نافع گفت: «و ابتغوا الیه الوسیلة» (مائده ۳۵) یعنی چه؟ ابن عباس پاسخ داد: وسیله به معنای نیاز و حاجت است. پرسید آیا عرب چنین معنایی را می‌شناسد؟ ابن عباس پاسخ داد: آری! آیا شعر عنتره عبسی را نشنیده‌ای که: ان الرجال لهم الیک وسیلة ان یاخذوک تکحلی و تخضبی مردان به تو نیازمندند اگر به تو دسترسی پیدا کردند به چشمان خویش سرمه بکش و حنابندان کن. و... این چنین پرسش و پاسخ میان آنان ادامه داشت. نافع می‌پرسید و ابن عباس پاسخ می‌داد و برای تفسیر هر آیه قرآن به بیتی از شعر استشهاد می‌کرد. حدود ۲۵۰ مورد از قرآن میان آن دو رد و بدل شد. ۱۲۰

آثار و روش تفسیری ابن عباس

ابن عباس از مفسران دوران صحابه می‌باشد و هم دوره افرادی چون علی‌علیه السلام، عبدالله بن مسعود، ابی ابن کعب، زید بن ثابت و جابر بن عبدالله انصاری است و همچنین بزرگانی چون ابن مسعود، طاووس یمانی، عبدالله بن عمر، مجاهد و دیگران به مقام علمی او اشاراتی کرده‌اند. از مهمترین منابع و مآخذ تفسیری ابن عباس، بهره یافتن در پرتو صحبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی‌علیه السلام بوده که با هوش و دانش فراوان و منطق قوی و زبان فصیح و زهد و تقوای خود عجز کرده و مشاهدات مستقیم او را از رویدادهای صدر اسلام که همزمان با حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده باید به خصوصیات پیشین او افزود که در مجموع ویژگی‌های زیر را به لحاظ تفسیری برای ابن عباس به ارمغان آورده است.

۱ - نقل نقادانه از اهل کتاب در قصص قرآنی

۲ - استشهاد و استناد به شعر عربی (شعر جاهلی ۱۳)

تفسیر قرآنی که از ابن عباس روایت شده، دروس تفسیر امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام است که املاء کرده و عبدالله می‌نوشته است. [چنین تفسیری بعدها نیز در اسلام رواج یافته است مانند تفسیر خواجه عبدالله انصاری که املاء می‌کرده و رشیدالدین میبیدی انشاء می‌کرد و بعدها با افزودن‌های از میبیدی به نام «کشف الاسرار و عده الابرار» معروف شد.]

تفسیری به ابن عباس نسبت داده شده به نام «تفسیر ابن عباس» که عیسی بن میمون و ورقاء آن را از ابونجیح و ابونجیح و حمید بن قیس از مجاهد روایت کرده‌اند. تفسیر دیگری نیز به وسیله ابواحمد عبدالعزیز جلودی (م ۲۲۲ ق) از روایات ابن عباس جمع آوری شده که به نام تفسیر جلودی معروف است.

محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ - ۷۲۹ ق) صاحب قاموس نیز تفسیری در چهار جلد به نام «تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس» تألیف نموده [که در واقع از دل تفسیر طبری بیرون کشیده است] که مبتنی بر روایات ابن عباس است.

این کتاب ابتدا در بمبئی و سپس در بولاق (۱۲۹۰ ق) به چاپ رسیده است. اثر دیگر ابن عباس لغت نامه‌ای است سرشار از شواهد شعری عرب جاهلی ۱۴. در میان روایات تاریخی تاسیس مکتبی را در تفسیر قرآن به ابن عباس نسبت می‌دهند و نام آوترین شاگردان مکتب او عبارتند از: مجاهد، عکرمه (وفات به سال ۱۰۳ هـ در سن ۸۰ سالگی) که برده افریقایی ابن عباس بوده و معروف به مولی ابن عباس است. ابن جبیر (وفات در سال ۹۴ هـ ق در سن ۴۹ سالگی) [او به طرز فجیعی به دست حجاج بن یوسف ثقفی شهید شد. [عطاء بن یسار] م ۹۳ هـ ق) و...

حال با توجه به قراین و دلایل تاریخی که ارائه گردید، گمان نمی‌رود استدلال گلدزیهر و دیگر مستشرقان مبنی بر مجهول بودن و تردیدی بودن روایات منقوله از ابن عباس، قابل اعتنا باشد. عجیب است که گلدزیهر با همه تردید و انکاری که در مورد ابن عباس دارد از او به عنوان ابرمرد تفسیر یاد می‌کند، البته شایسته و سزااست که محققان علوم قرآنی بین روایات منقوله از ابن عباس و یا درباره او، و آنچه که از زبان مخالفان علیه او گفته شده است یک جمع بندی کامل و عمیقی ارائه دهند تا حقیقت، عیان‌تر از آنچه که هست خود را بنمایاند و پرده اوهام بیشتر از رخ حقیقت فاصله گیرد زیرا پاره‌ای از مواقع در میان حرفهای مخالفان مطالبی یافت می‌شود که راه را برای پژوهشهای بعدی آماده‌تر می‌کند.

- ۱ - مؤلف آثاری چون: «الاصابة فی تمییز الصحابة و الصواعق المحرقة فی ردّ اهل الكفر و الزنادقة»
- ۲ - مؤلف کتاب «منهاج السنة النبویه فی نقض كلام الشيعة القدرية» که در نقد کتاب «منهاج الكرامة فی معرفة الامامة» علامه حلی نوشته است. آراء محمد بن عبدالوهاب نسب از اندیشه‌های ابن تیمیه حنبلی می‌برد.
- ۳ - جریان مفصل وفات او را ابن عبدالبرقرطبی در «الاستيعاب فی معرفة الاصحاب» و محدث قمی در «الکنی و الالقاب» آورده اند.
- ۴ - این حدیث به صورتهای ذیل نیز نقل شده است: اللهم علمه الحكمة و تأویل الكتاب، اللهم علمه الحكمة و تأویل القرآن، اللهم بارک فيه و انتشر منه و اجعله من عبادک الصالحین، اللهم زده علماً فقهاً، برای مزید اطلاع بنگرید به صحیحین مسلم و بخاری، در این دو کتاب ۱۶۶۰ حدیث صحیح از ابن عباس روایت شده و از ابوبکر ابن ابی قحافة ۱۴۲ حدیث صحیح [مقاله ابن عباس مندرج در دائرة المعارف تشیع ج ۶]
- ۵ - رک: قمی، عباس، سفينة البحار ۱۵۰ / ۲ و سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سید محمد باقر حجتی / ۸۹
- ۶ - رک: طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ۲۲ / و سفينة البحار ۱۵۰ / ۲
- ۷ - رک: پیشین / ۸۱
- ۸ - از سخن اشعث است که گفت: «لا يحکم فینا مضریان حتی تقوم الساعة».
- ۹ - رک: «ابن عباس» دائرة المعارف تشیع ۳۴۴-۳۴۷ / ۶
- ۱۰ - رک: الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، چاپ اول، بیروت دار ابن کثیر ۱۴۱۳ هـ ش. و همچنین برای مزید اطلاع بنگرید به: الکامل ابن میرد ۲۲۲ - ۲۲۸ / ۳ و ایضاح الوقف و الابتداء، ابن انباری / ۷۶-۹۸] در این کتابها این پرسش و پاسخها آمده است]
- ۱۱ - رک: دیوان عبید ابن الابرص، بیروت ۱۹۵۹
- ۱۲ - رک: عبدالتواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبانشناسی عربی ترجمه حمیدرضا شیخی، ناشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی بهمن ۶۷، فصل دوم اگر قرآن نبود زبان عربی نابود می‌شد ۸ / ۱۲۶.
- ۱۳ - رک: دانشنامه قرآن ۱۲۵-۱ / ۶
- ۱۴ - همان.